



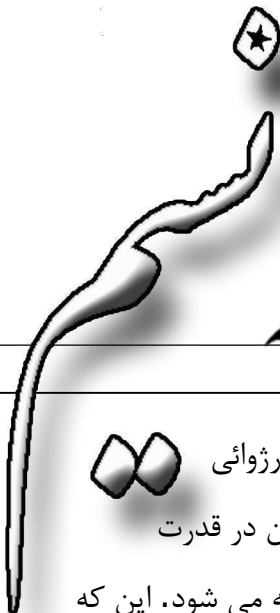
کارگران جهان متحد شوید

شماره ۶۳

۳۱ اکتبر ۲۰۰۶

۹ آبان ۱۳۸۵

کاسنامه



بین دولت های بورژوازی و به سهم بری آنان در قدرت منطقه ای خلاصه می شود. این که

نیاز و ضرورت شکل های توده ای و طبقاتی کارگران در شرایط کنونی!

بهروز ناصری

هدف این مطلب ضمن تاکید دوباره در مورد نیاز و ضرورت به شکل توده ای و طبقاتی کارگران در شرایط سیاسی امروز ایران، این است که در مورد چگونگی تشکیل شکل سراسری و طبقاتی کارگران، جویای نظرات فعالین و پیشروان کارگری شود.

برای کسانی که اوضاع سیاسی و اقتصادی امروز ایران را از زاویه کمونیستی و مارکسیستی تعقیب میکنند، بالاخره این سؤال در صدر قرار میگیرد که جنبش کارگری ایران امروز در چه سطحی از مبارزه قرار دارد و کارگران چگونه به شکل سراسری و اجتماعی خویش، تشکلی که به معنای واقعی منافع کل کارگران ایران را در برابر دولت و سرمایه داران نمایندگی کند، دست خواهند یافت.

وقتی که می بینیم بورژوازی ایران گاهها در تقابل و گاهها در حال معامله و سازش و بده بستن با بورژوازی جهانی بطور عام و بورژوازی غرب بطور اخص سرنوشت میلیون ها انسان یک کشور را چگونه رقم میزنند، آن وقت مسئله موقعیت و جایگاه جامعه کارگری ایران بیشتر برجسته میشود.

موضوع در سطح کلان و در سطح

استراتژی های متفاوت برای اداره جامعه است. در بحبوحه تخاصمات رژیم اسلامی ایران با دولت های غربی بر سر برنامه هسته ای رژیم، که حتی نفس بعضی از جریانات را بند کرده است و آنان را به انتظار اقدامات آمریکا و متحدینش وا داشته است، جمهوری اسلامی در واقع بسته متقابل خود را به کشورهای غربی همان موقع ارائه داد که خامنه ای دستور واگذاری ۸۰ درصدی از مالکیت دولتی را به بخش خصوصی صادر کرد. تقویت بخش خصوصی در واقع نشان دادن چراغ سبز به سازمانهای جهانی نظیر بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و کشورهای غربی از سوی رژیم اسلامی بود. تقویت بخش خصوصی اقتصاد که به فقر و فلاکت بیشتر توده های کارگر، بیکاری، گرانی و مصیبت های اجتماعی متعدد دیگری می انجامد، در واقع همسان سازی رژیم با لیبرالیسم غرب و پاسخ مثبت به آلترناتیو آن ها بود. این پایه مسئله است. وقتی آن ها در پایه با هم اشتراک داشته باشند، موضوعات دیگری که بر سر آن نزاع دارند از جمله اختلاف بر سر برنامه هسته ای رژیم اسلامی را سهل تر حل و فصل می کنند.

هم سیاست ها و عملکردهای رژیم اسلامی و هم آلترناتیو لیبرالیسم غربی، هیچکدام پیام آور کمترین تغییر مثبت در اوضاع به نفع توده های کارگر و زحمتکش ایران نیستند. هر چه هست به اختلاف و ستیز

دولت های بورژوازی و به سهم بری آنان در قدرت منطقه ای خلاصه می شود. این که کارگر ایرانی از کار بیکار می شود، دستمزدش به موقع پرداخت نمی شود و بیمه بیکاری در ایام بیکاری به او تعلق نمی گیرد، مشکل جمهوری اسلامی و دولت های غربی نیست. اتفاقاً اساس برنامه های اقتصادی رژیم اسلامی که حالا هم در صدد تقویت هر چه بیشتر بخش خصوصی است بر بی حقوقی کارگران، شدت کار، و بیکار کردن کارگران استوار است. و برنامه توسعه رژیم اسلامی نیز تماما کپی برنامه دست راستی ترین جناح لیبرالیسم غرب برای کشورهای در حال رشد است. در این شرایط مبارزات و اعتراضات کارگران چه در شکل اعتصاب و یا تجمع در کارخانه و ادارات دولتی بیشتر حول حقوق های معوقه، علیه اخراج و یا پایین بودن مزایای کار و امنیت شغلی است. این مطالبات هر چند برحق اند، ولی در واقع دفاعی است از حداقل حقوق.

جنبش کارگری ایران در وضعیت دفاع از حقوق خود بسر می برد، به این اعتبار در یک حالت تدافعی قرار دارد. این حالت تدافعی جنبش کارگری به اشکال مختلف به طبقه کارگر تحمیل شده است. و بیرون آمدن از این وضعیت نیازمند کار و فعالیت فعالین و پیشروان کارگری در سطح کلان یا ماکرو است. اگر مسئله تغییر شرایط زندگی و کار توده های کارگر و زحمتکش ایران است،

اگر مسئله رفاه عمومی تمام شهروندان جامعه باشد، کارگران در ازای کاری که انجام می دهند حقوق کامل خود را بگیرند و در ایام بیکاری نیز دولت موظف به پرداخت کامل بیمه بیکاری باشد، اگر مسئله آزادی فعالیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی کارگران است و ده ها مورد دیگر از این قبیل که مستقیماً به سطح زندگی و کار کارگران مربوط می شود، کارگران ایران چاره ای ندارند جز این که در سطح سراسری خود را متشکل کنند و تشکل بزرگ و سراسری خود را بوجود آورند.

طی سال های اخیر مبارزات پرشور زیادی از سوی کارگران صورت گرفته و خیلی از این مبارزات هم به پیروزی رسیده است. فعالین کارگری کمیته های مختلفی بوجود آورده اند که هر کدام اهداف بزرگتری را تعقیب کرده اند. کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری و سایر کمیته ای کارگری که با ابتکار خود فعالین کارگری بوجود آمده اند، هر کدام برای اتحاد و سازمانیابی سراسری کارگران بوجود آمده اند که در صورت متحقق شدن این مهم، خود را در آن تشکل بزرگتر ذوب کنند.

سؤال اصلی اینست بدنبال تشکیل کمیته هماهنگی و سایر کمیته های کارگری، کدام فعالیت آگاهانه برای ایجاد تشکل سراسری کارگران صورت گرفته است؟ و در این راستا چه اقدامات عملی را در دستور کار دارند؟ و موانع اصلی تشکیل تشکل سراسری کارگران را چه می بینند؟

در شرایط سیاسی و طبقاتی امروز اگر کارگران ایران بعنوان یک طبقه وارد کارزار سیاسی و اجتماعی در سطح کشور نشوند، بورژوازی ایران زندگی و کار فلاکتبارتری را به آنان تحمیل می کنند. شرایط سیاسی و طبقاتی امروز حکم می کند که رهبران و فعالین کارگری علیرغم تمام سختی ها و ناهمواری هایی که در کار و زندگی با آن روبرو هستند، در سطح ماکرو بیندیشند و عمل کنند.

ایجاد تشکل سراسری کارگران طبیعی است که در شرایط امروز ایران با تقابل رژیم اسلامی و دستگاه های سرکوب آن روبرو شود. مگر رژیم اسلامی با کارگران سقز مواجه نشد، مگر با سندیکای کارگران شرکت واحد با زبان سرکوب و تهدید و... مقابله نکردند، مگر اعتصابات زیادی نبوده اند که با دخالت نیروهای انتظامی رژیم مواجهه شده اند....

یکی از مشکلات اصلی رهبران و فعالین کارگری تلاش برای خنثی کردن سرکوبگری ها و توطئه های دولت و سرمایه داران بوده است که در خیلی موارد کارگران پیروز شده اند. اما حقایق مبارزاتی کارگران در سال های اخیر و تجربه شرکت واحد نشان می دهد که می توان برای ایجاد تشکل سراسری کارگران گام های عملی برداشت.

تلاش جهت ایجاد تشکل سراسری کارگران ایران، با همبستگی جهانی

کارگران و اتحادیه ها و تشکل های کارگری سایر کشورها مواجه می شود. یک تشکل سراسری که نماینده و حافظ منافع تمام کارگران ایران باشد، چگونه بوجود می آید؟ نام و اهداف آن تشکل چیست؟ اساسنامه و مطالباتی که این تشکل برای آن مبارزه می کند کدام ها هستند؟ ساختار این تشکل چگونه است و سئوالاتی از این قبیل موضوعاتی هستند که باید در جای خود به آن پرداخت.

ولی فعلاً مهم اینست که این توافق عمومی بوجود آید که کارگران ایران به تشکل سراسری و طبقاتی خود نیاز دارند و ساختن آن یک ضرورت حیاتی برای بهبود شرایط کار و زندگی کارگران و تمام شهروندان جامعه ایران و پیشروی مبارزه طبقاتی در ایران است و این که برای ایجاد چنین تشکلی باید برنامه و اقدامات عملی در دستور کار داشت و رهبران و فعالین کارگری زیادی این مهم را امر خود تلقی کنند.

تردیدی در این نیست که رهبران و فعالین کارگری از عهده تدقیق سئوالات فوق بر می آیند. اما گام اول توافق عمومی برای ایجاد تشکل و برداشتن گام های عملی در آن زمینه است.

برگرفته از جهان امروز شماره ۱۷۷

پیروزی طبقه کارگر در گرو تشکل مستقل طبقاتی او است

به کارگران شرکت پریس سندج**دوستان کارگر :**

بار دیگر در شرکت پریس ، حقیر امیر اسفندیاری به پشتوانه قوانین ضد انسانی و ضد کارگری اداره کار و به بهانه های واهی دست به اخراج تعدادی از کارگران شرکت پریس زده است . این عامل سرمایه با ایجاد تفرقه و توهم پراکنی و با استفاده از شرایط سخت معیشتی و غم نان و ابزار سرکوب و توحش و باتوجه به خیل وجود عظیم بیکاران که نشانه وقاحت و بی حقوقی و خاصه نظام سرمایه داری است ، با اعمال فشار به کارگران آگاه و شریف و معترضینی که جز دفاع از حقانیت خود و دیگر هم سرنوشتانسان جرمی را مرتکب نشده اند ، به اتهام واهی روند اخراج سازی را دنبال کرده و با فشار و اجرای قراردادهای ۱ ماهه و ۲ ماهه و جداکردن صفوف کارگران به خیال خود می تواند جلو حرکات و اعتراضات کارگری را بگیرد و با این بی حقوقی به نیت پلید خود دست یابد . حقیر امیر اسفندیاری بار دیگر با هم پالگیهایش متحدانه به منافع کارگران حمله ور می شوند ، کسانی مثل محمد عباسی (مدیر تولید) هدایت صفاری (مسئول مالی) محسن یار احمدی (مدیر داخلی) که همگی در توهم پراکنی و یاهو گویی های اسفندیاری بر علیه شما صف آرائی کرده اند ، تنها رجز خوانانی هستند که از آخور اسفندیاری و دیگر عوامل سیستم وحشی سرمایه داران و اندک نشخواری که جلوشان ریخته می شود ، به منافع شخصی خود بسنده کرده

و این گونه وحشی گریهای اسفندیاری را توجیه می کنند .

کارگران شرکت پریس :

بار دیگر در مقابل این هجوم افسار گسیخته هم چون اعتصاب قهرمانانه ۸۵/۳/۳۱ و ۸۵/۵/۲۸ ایستادگی کرده و به این بی حقوقی ها اعتراض کنید که بی شک با اتحاد عمل شما و دیگر کارگران می توان این بساط توحش را پایان داد .

من به عنوان نماینده اخراجی کارگران شرکت پریس ضمن محکوم کردن اخراج دوستانم خواستار ابقاء به کار آنان شده و از تمامی کارگران و فعالین کارگری در ایران می خواهم به این بی حقوقی اعتراض کرده تا با همبستگی طبقاتی بتوانیم در صفی واحد به تشکل واقعی و مستقل کارگران در سطح سراسری دست یافته و بساط نظام سرمایه داری را با توان و نیروی خود زیر رو سازیم .

بهزاد سهرابی ۸۵/۸/۵**تجمع اعتراضی دو روزه کارگران****کارخانه "شاهو" سندج****پیروزمندانه پایان یافت**

کارگران کارخانه "شاهو" سندج که از صبح روز شنبه ۶ آبان ماه در اعتراض به وضعیت شغلی خود در محل کارخانه اقدام به تحصن نموده بودند، روز یکشنبه ۷ آبان ماه با رسیدن به خواستههایشان تجمع خود را پیروزمندانه پایان دادند.

کارگران کارخانه شاهو در اعتراض به بلاتکلیفی ۲۴ نفر از کارگران، عدم پرداخت ۸ ماه حقوق و مزایای معوقه و تمدید نشدن دفترچه های خدمات درمانی خود در محوطه این کارخانه اقدام به تجمع نموده بودند، سرانجام خواستههای خود را به کارفرما تحمیل نمودند.

بر اساس توافق صورت گرفته بخشی از حقوق معوقه کارگران کارخانه شاهو از سوی تامین اجتماعی و ۳ ماه دیگر آن نیز از سوی کارفرما پرداخت خواهد شد. در بخش دیگری از توافق به عمل آمده کارفرما متعهد شد پس از راه اندازی کارخانه ۸ نفر از کارگران و تا اول تیرماه ۸۶ نیز تمامی کارگران اخراجی این واحد را بر سر کارهایشان بازگرداند

بقیه از صفحه ۴ شان سرمایه داری است سرمایه گلوی زحمتکشان را می فشارد زیرا در پی سود بیشتر است . تنها راه حل برای کارگران اتحاد است کارگران بیکار شده کارخانه های نساجی در اصفهان چاره ای جز یکی شدن و ایجاد تشکل مستقل خود را ندارند تا بتوانند خواستههای خود را به سرمایه داری تحمیل کنند .

پس کارگران بیاییم علیه سرمایه متشکل شویم .

کمیته هماهنگی برای ایجاد**تشکل کارگری**

۷/۸/۱۳۸۵

www.komiteyehamahangi.com
iteye_hamahangi@yahoo.com

گزارشی کوتاه از وضعیت کارگران کارخانه ریسندگی رحیم زاده اصفهان

۱۰ ماه از تعطیل شدن کارخانه ریسندگی رحیم زاده اصفهان می گذرد و حقوق معوقه ی کارگران آن در این مدت پرداخت نگردیده است. در طول این ۱۰ ماه نه رؤسای کارخانه، نه اولیاء و مسئولین اداره کار اصفهان، نه استانداری شهر و نه رئیس جمهور هیچ یک پاسخ قانع کننده ای به ۲۸۰ کارگر بیکار شده این کارخانه (که ۴۰ نفر از آنان را کارگران زن تشکیل می دهند) نداده اند.

در این راستا و در طول این مدت کارگران کارخانه رحیم زاده دهها بار دست به تجمع و تظاهرات اعتراضی زده اند و در برابر درب کارخانه و ادارات دولتی تجمع نموده اند که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- ۷ و ۸ و ۹ اسفند ۱۳۸۴: بستن جاده اصفهان تهران که با آتش زدن لاستیک همراه بود

۲- ۱۴ اسفند ۱۳۸۴: بستن خیابان امام خمینی و تظاهرات در این خیابان. کارگران پلاکاردهایی با این مضامین به دست داشتند که "چهار ماه است حقوق نگرفته ایم" و "حقمان را می خواهیم" در اثر این تجمع فوراً نیروهای انتظامی در محل حاضر شدند.

۳- ۹ اردیبهشت ۱۳۸۵: تجمع در برابر کارخانه

۴- ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۵ (روز جهانی کارگر): تجمع در برابر کارخانه که مورد

هجوم و ضرب و شتم نیروهای انتظامی قرار گرفت.

۵- ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۵: تجمع در برابر استانداری اصفهان
۶- ۲۵ شهریور ۱۳۸۵: تجمع در برابر استانداری اصفهان. در این تجمع کارگران معترض پلاکاردهایی با این مضمون حمل می کردند: "مسئولین استان، ما کارگران کارخانه رحیم زاده ۹ ماه است که حقوق طلبکاریم و بلاتکلیفیم" در این تجمع ۵ نفر از نماینده گان کارگران به داخل استانداری رفتند. مسئولین به آنها وعده هایی دادند که تا کنون هرگز عملی نشده است. و تجمعات دیگری

این در حالی است که به گفته سایت اینترنتی جبهه مشارکت شاخه اصفهان (از قول کارگران) ۱۲۵ هزار متر مربع از زمین های مرغوب کارخانه به فروش رفته است ولی حتی یک ریال به کارگران بابت حقوق و مطالباتشان پرداخت نشده است. حتی گفته می شود قرار بوده ۱/۵ میلیارد تومان از اعتبارات دولتی به کارخانه وام پرداخت گردد (جهت تهیه مواد خام و پرداخت مطالبات کارگران) اما هیچ اعتباری به کارخانه تعلق نگرفت.

به راستی برسر کارگران کارخانه ریسندگی رحیم زاده و خانواده هایشان چه خواهد آمد؟ آیا برای صاحبان کارخانه فرقی هم می کند که این کارگران در طول این ۱۰ ماه چگونه

زندگی کرده اند (بخوانید چگونه زنده مانده اند)؟

رحیم زاده از کارخانه های قدیمی نساجی در اصفهان است. کارخانه ای که در سالهای دهه ی ۳۰ خورشیدی کارگزارانش از پیشگامان دلیر و رزمنده جنبش کارگری بوده اند. کارخانه ای که کارگران مبارز و پیشرو و رزمنده ای چون "یدالله نصری"، "کریم نصری" و "امیر آبجو" را به خود دیده است. شاید اگر سنگ فرشهای خیابان عباس آباد و چهار باغ اصفهان زبان داشتند برای همگان از مبارزات و تجمعات کارگران این کارخانه در سالهای ۱۳۲۰ - ۱۳۳۰ سخن می گفتند، از روز ۲۴ فروردین ۱۳۳۰ که کارگران این کارخانه در حمایت از کارگران خوزستان به پا خواستند و چون سیل در این خیابان ها جاری شدند. روزی که استخوان فقرات سرمایه داری از قدرت اتحاد طبقاتی طبقه کارگر لرزید. اما امروز کارگران این کارخانه تنها و زخم دیده از نظام سرمایه داری هستند. امروز نوک پیکان تیز سرمایه داری به سوی آنها نشانه رفته است. بدون شک نه کارخانه داران و نه اداره کار و نه هیچ ارگان ریز و درشت سرمایه داری به این زحمتکشان شریف پاسخ نه خواهند داد کارگران این کارخانه به همان سرنوشتی دچار شده اند که کارگران شهرهای جدید، بافناز و قدسو تنها پاسخ عملی که دریافت می کنند باطوم و گاز اشگ آور است امروز تقریباً همه کارگران اخراجی و تجدید قرارداد نشده، می دانند که باعث و بانی اصلی فلاکت و بدبختی بقیه در صفحه سه